

بررسی علل عدم اشتغال به تحصیل گروهی از کودکان لازم‌التعلیم

چکیده پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی آقای علی وطنی
در مرکز آموزش مدیریت دولتی

استاد راهنما: دکتر محمد علی طوسی
دکتر محمد آهنچی
استادان مشاور: سید امین الله علوی

هنگامه

بسیاری بر خوردار می‌گردد. امروزه یکی از شیوه‌های مطمئن مبارزه با بیسوادی و جلوگیری از افزایش بی‌رویه بیسوادان در کشورها حل مسئله عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم می‌باشد.

بر اساس اطلاعات حاصل از مرکز آمار ایران، تعداد کودکان شش تا ده‌ساله (لازم‌التعلیم) در سال ۱۳۵۵ برابر با ۲/۶ میلیون نفر و در سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۴ میلیون نفر بوده است گروه سنی در سال ۱۳۵۵ به ۵ میلیون نفر و در سال ۱۳۶۵، به ۷/۳ میلیون نفر رسیده است، اما از این تعداد در سال ۱۳۶۵ تنها ۷۸ درصد آنها تحت پوشش آموزش و پرورش قرار داشته و ۲۲ درصد دیگر به عللی به مدارس راه نیافته‌اند.

امروزه حیات اقتصادی جوامع بیش از آنکه توسط عوامل اصلی تولید همچون کار و سرمایه تعیین گردد، با میزان سطح تعلیمات عمومی جوامع پیوند خورده است و اهمیت تعلیمات عمومی به عنوان ابتدایی‌ترین وسیله جهت نیل به شکوفایی توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. در پرتو تعلیمات عمومی و برخورداری همگانی از نعمت سواد، فرهنگ توسعه می‌یابد، ارزشها تثبیت می‌شود و سلامت جوامع تأمین می‌گردد.

در جامعه اسلامی ما تحقق اهداف انقلاب از بعد فرهنگی و تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط بر محو بیسوادی از جامعه می‌باشد. از این رو بررسی علل بیسوادی در کشور از اهمیت

یعنی از مجموع ۱۱ میلیون و ۸۷۶ هزار و ۵۵۴ نفر کودک لازم‌التعلیم با احتساب تعداد افرادی که توسط نهضت سوادآموزی باسواد شده‌اند یک میلیون و ۹۱۴ هزار و ۸۰۵ نفر از آنها از نعمت سواد محروم بوده‌اند. به تعبیری در سال ۱۳۶۵ بیش از یک هفتم کودکان لازم‌التعلیم در شهرها و یک سوم نیز در روستاها از آموزش رسمی کشور محروم بوده‌اند.

آمار نشان می‌دهد که تعداد افراد لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل در سال ۶۹ - ۷۰ به ۲/۳ میلیون نفر و در سال تحصیلی ۷۰ - ۷۱ به ۲/۵ میلیون نفر خواهد رسید به این ترتیب هر ساله به تعداد کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل افزوده می‌گردد از این رو با توجه به مشکلات عظیمی که این مسئله بر سر راه رشد و شکوفائی میهن ما در پی خواهد داشت نمی‌توان از کنار آن بسادگی گذشت. برآستی عامل بازماندگی از تحصیل این تعداد کودک چیست؟ آیا غیر از عامل رشد جمعیت عوامل دیگری نیز در این امر دخالت دارند؟

جهت پاسخگویی به این قبیل سئوالات پژوهشهای علمی چندی صورت گرفته است، از جمله یکی از مشهورترین مطالعات انجام شده در خصوص عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، مطالعه «فرصت‌های مساوی آموزش» است که توسط «کالمن»^۱ و همکاران وی در سال ۱۹۶۶ انجام پذیرفته است. در این

مطالعه که به نام «گزارش کالمن» معروف است نتیجه گرفته شد که بین وضعیت اقتصادی، اجتماعی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان همبستگی بالایی وجود دارد و این ارتباط نیز در طول سالهای آموزش از بین نمی‌رود. نتایج گزارش «کالمن» توسط تحلیل گران دیگری از جمله «اسمیت»^۲ و «می‌زک»^۳ و دیگران مجدداً مورد تحلیل قرار گرفت. در این بررسیها و دیگر بررسیهای من جمله مطالعات «بولس»^۴ نقش وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده به عنوان عامل مسلط در پیشرفت تحصیلی فرزندان مورد تأکید قرار گرفت.

پژوهشهای محدودی نیز در ایران در خصوص علل عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم انجام یافته است که از جمله می‌توان به پژوهشی تحت عنوان «علل عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم در استان گیلان» که در سال ۱۳۹۲ انجام گرفته، اشاره کرد.

در این پژوهش با ارائه پنج فرضیه، عوامل مربوط به بازماندگی از تحصیل کودکان لازم‌التعلیم پی‌جویی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی است عواملی از جمله: درآمد کم خانواده، نوع شغل سرپرست خانواده، تعداد فرزندان خانواده سواد والدین و تبعیض قائل شدن بین پسران و دختران با عدم اشتغال به تحصیل رابطه قوی دارند با آنکه افراد کم‌سواد نیز به نقش سواد در رشد

1. Colman

3. Mezek

2. Smith

4. Bowles

و توسعه یک کشور واقف هستند، با این حال تعداد پژوهشهای قابل مطرح شدن در خصوص بازماندگی از تحصیل کودکان لازم‌التعلیم از تعداد انگشتان دست هم کمتر است. بنابراین تا زمانی که علل بازماندگی به صورت علمی مورد پژوهش قرار نگیرد و با این عوامل نیز به طور جدی برخورد نگردد، این مشکل کماکان باقی خواهد ماند.

به جهت اهمیت و تمایزی نسبی موضوع پژوهش بر آن شدیم که در رابطه با عوامل مؤثر در عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم در کشورمان پیردازیم تنوع و تعداد فرضیه‌هایی که به بررسی آنها پرداخته شده است گویای جامع بودن این پژوهش می‌باشد.

به منظور بررسی عوامل مؤثر در عدم اشتغال به تحصیل با توجه به مطالعات پیشین و شواهد تجربی سؤالهایی در باره سه محور، اقتصاد، بافت فرهنگی، و اجتماعی حاکم بر خانواده و همچنین مشکلات و کاستیهای مربوط به سازمان آموزش و پرورش تدوین گردید در زیر به این پرسشها اشاره می‌گردد:

۱- عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم با وضعیت اشتغال سرپرست خانواده رابطه دارد.

۲- عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم با مهاجرت‌های فصلی خانواده جهت اشتغال به کار رابطه دارد.

۳- بین عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم و نظر والدین روستایی منبئ بر اینکه فرزندان می‌باید در صورت وجود مشکل مادی کار

کنند رابطه وجود دارد.

۴- برآورد بالای هزینه‌های تحصیلی فرزندان توسط والدین با عدم اشتغال به تحصیل کودکان رابطه دارد.

۵- عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم با وضعیت مسکن آنان رابطه دارد.

۶- فقدان درمانگاه در روستاها با عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم‌التعلیم رابطه دارد.

۷- عدم وجود آب و برق در محل زندگی با عدم اشتغال به تحصیل رابطه دارد.

۸- نوع نگرش والدین نسبت به مرقعیت فرد با سواد با محل زندگی رابطه دارد.

۹- عدم اشتغال به تحصیل در بین کودکان دینه می‌شود که والدین آنها فعالیت ضروری برای پسران را کمک به پدر و کار در مزرعه می‌دانند.

۱۰- عدم اشتغال به تحصیل در بین کودکان دینه می‌شود که والدین آنها فعالیت ضروری برای دختران را یاد گرفتن کارهای هنری و انجام دادن امور منزل می‌دانند.

۱۱- نظر والدین در مورد فعالیت‌های ضروری برای پسران با تحصیلات پدر رابطه دارد.

۱۲- پراکنده‌گی روستاها با عدم اشتغال به تحصیل کودکان رابطه دارد.

۱۳- کمبود معلم زن در روستاها با عدم اشتغال به تحصیل کودکان رابطه دارد.

۱۴- نبودن وسایل رفت و آمد مناسب از محل سکونت تا شهر با عدم اشتغال به تحصیل رابطه دارد.

سنی که به تحصیل اشتغال نداشتند.

روش پژوهشی:

ب = ابزار اندازه گیری:

اطلاعات لازم جهت بررسی فرضیه های ارائه شده توسط پرسشنامه کسب گردید. این پرسشنامه دارای ۲۵ سؤال بسته دو گزینه ای بود.

ج = روش اجرا:

به جهت ماهیت مواد پرسشنامه می بایست والدین و یا سرپرست کودکان به آنها پاسخ دهند، بعد از مشخص شدن افراد با سرپرست آنان تماس حاصل گردید و بعد از توضیح مختصر توسط پرسشگر (با توجه به راهنمای پرسشگران) در مورد موضوع و هدف پژوهش از آنها خواسته شد تا به مواد پرسشنامه پاسخ دهند.

د = روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

با توجه به فرضیه ها و اطلاعات جمع آوری شده از طریق پرسشنامه ها، می بایست به آزمون هایی که معنادار بودن رابطه بین دو متغیر را نشان می دهند توجه کرد از این رو جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون آماری مجذور کای استفاده گردید. همچنین در این پژوهش علاوه بر این آزمون، روش تحلیل رگرسیون چند متغیری نیز مورد استفاده قرار گرفت.

تحلیل نتایج:

از آنجا که شناخت علل عدم اشتغال به تحصیل

الف = آزمودنیها:

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش کودکان بازمانده از تحصیل شش تا ده ساله شهری و شش تا دوازده ساله روستایی استان آذربایجان شرقی بود. نمونه مورد نیاز به این شکل به دست آمد که ابتدا به شیوه تصادفی سه شهرستان تبریز، مغان و هشترود انتخاب گردید. سپس به گونه تصادفی از روستاهای تابعه هر یک از شهرستانها تعدادی روستا انتخاب شد.

از دختران و پسران شش تا ده ساله شهری و شش تا دوازده ساله روستایی از شهرستانهای یاد شده که در پایه اول ابتدایی ثبت نام نکرده اند و یا هم اکنون با تأخیر مشغول به تحصیل می باشند به نسبت $\frac{3}{5}$ به ۱ نمونه ای به حجم ۳۳۸ نفر که ۹۶ پسر و ۲۴۲ دختر بودند، انتخاب گردید در مناطق شهری به دو گروه مراجعه شد. یک گروه دانش آموزان در حال تحصیل اول ابتدایی که با تأخیر به تحصیل مشغول بودند جهت دستیابی به گروه دیگر یعنی کودکان شش تا ده ساله که هنوز به تحصیل اشتغال نداشتند به کارگاههای قالی بافی و سایر مراکزی که از نیروی کار کودکان استفاده می کنند، مراجعه گردید.

در مناطق روستایی نیز به دو گروه مراجعه شد، یک گروه دانش آموزان در حال تحصیل با تأخیر شش تا دوازده ساله و گروه دیگر کودکان همین گروه

کودکان لازم‌التعلیم از اهداف اساسی این پژوهش به‌شمار می‌رود، این موضوع در حول سه محور اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و مشکلات مربوط به آموزش و پرورش مورد پی‌جوئی قرار گرفت. در این قسمت با توجه به نتایج به‌دست آمده از بررسی فرضیه‌ها به بحث و نتیجه‌گیری در باره این مسئله می‌پردازیم.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند که عدم اشتغال به تحصیل کودکان با وضعیت اشتغال سرپرست خانواده ارتباط دارد و هر چه بر میزان بیکاری سرپرست خانواده‌ها افزوده می‌گردد، عدم اشتغال به تحصیل نیز در بین کودکان رواج بیشتر می‌یابد. (نمودار شماره ۱)

طبیعی است که عدم اشتغال سرپرست خانواده منجر به وجود مشکلات مالی و اقتصادی در خانواده‌ها می‌گردد و این مشکلات نیز به نوبه خود بر توان خانواده در تأمین مخارج تحصیل فرزندان اثر خراشدگذاشت. بررسی نتایج سایر پژوهشهای مربوط به عدم اشتغال به تحصیل کودکان این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کنند.

این موضوع می‌تواند تا حدودی اثر وضع اقتصادی را بر میزان بازماندگی از تحصیل کودکان روستایی نشان دهد (اگر چه مطمئناً تنها عامل نیست) در اکثر کشورهای توسعه یافته که آموزش ابتدایی اجباری و رایگان می‌باشد با پرداخت کمک هزینه تحصیلی به خانواده‌هایی که مشکل اقتصادی دارند از بازماندگی از تحصیل جلوگیری می‌گردد.

یکی دیگر از عوامل که با عدم اشتغال به تحصیل کودکان خصوصاً کودکان روستائی ارتباط دارد، راهبردهایی است که والدین اجباراً برای حل مشکلات اقتصادی خانواده در پیش می‌گیرند تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که در صورت وجود مشکل مالی در خانواده، والدین ترجیح می‌دهند فرزندان‌شان به جای درس خواندن کار کنند.

خانواده‌هایی که در روستاها زندگی می‌کنند نسبت به خانواده‌های شهری هزینه‌های تحصیلی فرزندان را بالاتر برآورد می‌کنند و بازماندگی از تحصیل نیز در بین فرزندان آنان بیشتر است.

همان‌گونه که اشاره گردید در پی‌جوئی علل عدم اشتغال به تحصیل مسئله عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز مورد بررسی قرار گرفت.

نبود و یا کمبود امکانات بهداشتی و درمانی می‌تواند تأثیرات سوئی بر کلیه شئون زندگی از جمله تحصیل داشته باشد نتایج نشان می‌دهند که فقدان امکانات بهداشتی در روستاها با عدم اشتغال به تحصیل کودکان رابطه دارد. عموماً وجود اعتقادات خرافی، سنتها و باورهای غلط خانواده و برخورد غیرمنطقی والدین با نیاز به تحصیل فرزندان خصوصاً فرزند دختر یکی دیگر از علل بازماندگی از تحصیل به شمار می‌رود.

نتایج نشان می‌دهند که ۵۰ درصد والدین دختران بازمانده از تحصیل معتقدند یاد گرفتن کارهای هنری و انجام دادن امور منزل برای آنان ضروری‌تر است (نمودار شماره ۲)، و جالب اینکه

این نگرش با میزان تحصیلات پدر ارتباط دارد (نمودار شماره ۳)

این نتایج برای پسران قابل تعمیم نمی باشد چرا که فرضیه های مربوط به وجود رابطه بین عدم اشتغال به تحصیل پسران و میزان تحصیلات پدر و یا نگرش والدین مبنی بر اینکه پسران می باید کار کنند و یا به تحصیل اشتغال داشته باشند، مورد تأیید قرار نگرفتند.

در پی جوئی عوامل مؤثر بر عدم اشتغال به تحصیل علاوه بر عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که ارتباط آنها با این موضوع نشان داده شده، مسئله عوامل درون سازمانی آموزش و پرورش نیز مورد بررسی قرار گرفت

یکی از عواملی که رابطه آن با بازماندگی از تحصیل بخوبی نشان داده شد مسئله کمبود آموزگاران زن در روستا می باشد. عده ای از والدین دختران حضور دختران خود را در کلاس هایی که توسط آموزگار مرد اداره شود نمی پذیرند، اگر چه می باید با دادن آگاهی های لازم این گونه باورهای نادرست را از بین برد اما لازم است که با توجه به نگرش های موجود امکانات بهره گیری بیشتر کادر آموزگار زن در روستاها فراهم گردد.

بررسی نتایج به دست آمده نشان می دهند یکی از مشکلاتی که بر سر این راه قرار دارد، نبودن وسائل رفت و آمد مناسب از بعضی از روستاها به شهر می باشد و طبیعی است که زنان آموزگار نیز رغبت کمتری به اشتغال در این گونه روستاها نشان می دهند و جالب اینکه در این روستاها بازماندگی

از تحصیل نیز بیشتر به چشم می خورد (نمودار شماره ۴)

اگر با یک رویکرد سیستمی به مسئله عدم اشتغال به تحصیل بنگریم، متوجه خواهیم شد که چگونه عوامل متعددی که از آنها نام برده شد، همانند حلقه های یک زنجیر به یکدیگر پیوسته اند بیسوادی و یا عدم اشتغال به تحصیل پدیده ای است که از عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و عوامل جمعیتی تأثیر می پذیرد و متقابلاً بر آنها تأثیر می گذارد. اخیراً عده ای از صاحب نظران عنوان می کنند که جهت جلوگیری از افزایش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل و مبارزه با بیسوادی می باید آموزش و پرورش حداقل در سطح آموزش ابتدایی اجباری گردد. اما می باید توجه این عده را به این سؤال جلب کرد که آیا افزایش عده کودکان بازمانده از تحصیل صرفاً ناشی از اجباری نبودن آموزش و پرورش می باشد؟

عده ای نیز معتقدند که برای جلوگیری از بازماندگی از تحصیل کودکان لازم التعلیم می باید علل بازماندگی را شناخت و برنامه ریزیها را بر اساس آن انجام داد. در این پژوهش تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و عوامل درون سازمانی آموزش و پرورش در بازماندگی از تحصیل نشان داده شد حال ممکن است این سؤال مطرح شود که از کجا می بایست شروع کرد؟ کدام یک از این عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و برنامه ریزیها باید بر چه پایه هایی استوار

گردند.

می‌دهند که ۳۰ درصد از علل بازماندگی از تحصیل مربوط به مشکلات اقتصادی می‌باشد، با توجه به شرایط فعلی حاکم بر وضعیت اقتصادی کشور، حل اساسی این مشکل نیز منوط بر رسیدن به یک تعادل اقتصادی نسبی می‌باشد، عدم تعادل اقتصادی مشکلاتی را برای خانواده‌ها در جهت تأمین مخارج زندگی و تحصیل فرزندان به وجود می‌آورد و از سوی دیگر وزارت آموزش و پرورش و سایر دستگاههای آموزشی را در تنگنا قرار می‌دهد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داده‌اند که یکی دیگر از عواملی که در بازماندگی از تحصیل کودکان مؤثر می‌باشد (۱۲ درصد) عامل جمعیت و تعداد افراد با سواد خانواده می‌باشد.

به عبارت دیگر هر چه تعداد افراد خانواده کمتر و تعداد اعضای باسواد آن بیشتر باشد، امکان دسترسی کودکان به فرصتهای آموزشی بیشتر می‌گردد. نگاهی به نتایج پژوهشهای دیگر نشان می‌دهند که درصد بی‌سوادی در بین فرزندان خانواده‌هایی که ۳ الی ۱ فرزند دارند ۳۸ درصد و در بین فرزندان که خانواده آنها شش فرزند و بیشتر دارند به ۶۵ درصد می‌رسد. بنابراین این تعداد زیاد اولاد همراه با بالا بودن تعداد افراد بیسواد خانواده یکی دیگر از علل عدم حضور کودکان لازم‌التعلیم در مدارس می‌باشد.

عامل دیگری که سهم خود را کمتر از عوامل دیگر نشان داد، مشکلات درون سازمانی آموزش و پرورش می‌باشد مسائلی از قبیل کمبود آموزگاران

پاسخ به این سؤال بستگی به این دارد که بدانیم کدام یک از این عوامل تأثیر بیشتری بر بازماندگی از تحصیل کودکان لازم‌التعلیم دارد این سؤالی است که ما با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری به آن پاسخ گفته‌ایم. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری در این پژوهش نشان دادند که مهم‌ترین علت بازماندگی از تحصیل وجود مشکلات اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر پایین بودن سطح فرهنگ توده مردم خصوصاً در روستاها از عوامل مهمی است که مشکل افزایش تعداد بازماندگان از تحصیل را حداقل از دوراه دامن می‌زند.

از یک سو رشد بی‌رویه جمعیت را به دنبال خواهد داشت که تناسب بین امکانات و نیازها را برهم می‌زند و از سوی دیگر باعث می‌گردد اهمیت سوادآموزی در توسعه و پیشرفت کشور نادیده گرفته شود.

به عبارت فنی‌تر این مسئله ۵۲ درصد از علل بازماندگی از تحصیل را به خود اختصاص می‌دهد، بنابر این اندیشیدن تدابیری جهت بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی عمومی جامعه از طریق برنامه‌ریزی وسیع می‌تواند یکی از عوامل مهم بازماندگی از تحصیل را از میان بردارد، به عبارت دیگر افراد می‌باید به صورت خود جوش نیاز به سوادآموزی را درک کنند نه اینکه آنها را به اجبار به کلاس درس کشاند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان

در مدارس روستایی، نبودن وسایل نقلیه مناسب جهت رفت و آمد به روستا از جمله مهم ترین عواملی هستند که با بازماندگی از تحصیل کودکان لازم التعلیم خصوصاً دختران ارتباط دارند.

عدم اشتغال به تحصیل کودکان لازم التعلیم ناشی از اجباری نبودن آموزش و پرورش نیست بلکه از مشکلات دیگری که به اهم آن در این پژوهش اشاره گردید ناشی می گردد. هدف از انجام دادن این پژوهش نیز شناخت این موانع بوده است، باشد که مسئولان محترم کشور نیز با توجه به آنها در رفع این موانع بکوشند.

منابع:

- 1 - Colman, j. Setl, Equality of education Opportunity Washington D.C. Us Government printing office. 1966.
- 2 - Ferguson, Geovge and Jakane Yoshio. Statistical Analysis in psychology and Education. Magrw - Hill - 1989.
- ۳ - افشار نادری، نادر. سواد عامل رشد اقتصادی و اجتماعی.

بی نا، ۱۳۴۴.

۴ - افکاری، اسحاق. نگاهی به سوادآموزی کشورهایی که انقلاب کرده اند دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۵۹.

۵ - بست، جان. روشهای تحقیق در علوم تربیتی، ترجمه شریفی، حسن پاشا و همکاران، انتشارات رشد. تهران ۱۳۶۶.

۶ - دلاور، علی. روشهای آماری در روان شناسی و علوم تربیتی پیام نور تهران ۱۳۶۵.

۷ - کلسینجر و پدهازور. رگسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری. ترجمه سرایی، حسن. جلد اول. مرکز نشر دانشگاهی تهران ۱۳۶۶.

۸ - شولسون ریچارد. استقلال آماری در علوم رفتاری، ترجمه کیامنش، علیرضا. جهاد دانشگاهی. تهران ۱۳۶۶.

۹ - صبح خیز، ناصر. سلیمی، پرویز، راهنمای بین المللی نظامهای آموزشی. دفتر تحقیقات برنامه ریزی و تألیف کتب درسی. تهران ۱۳۶۱.

۱۰ - نشریه فصلنامه تعلیم و تربیت (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۸).

۱۱ - نشریه اجلاس جهانی کودک، یونیسف (Unicef) ۱۹۹۰.

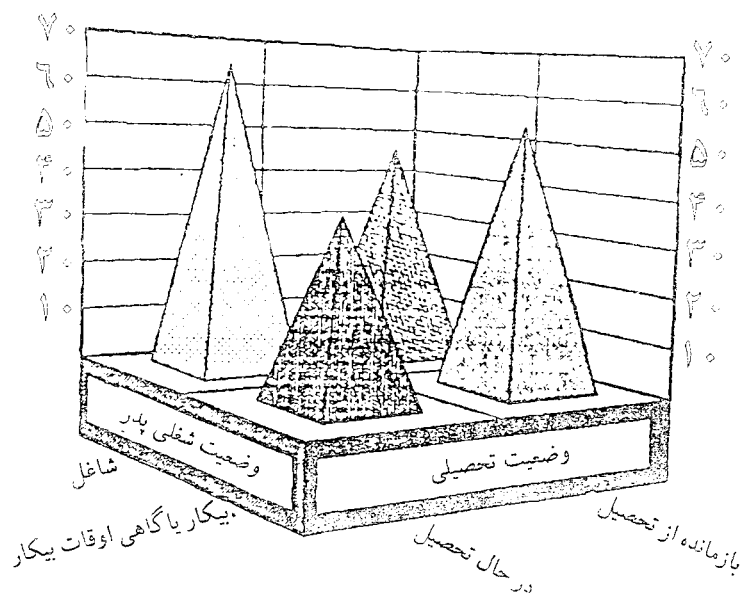
۱۲ - مقاله «نقش آموزش در انقلاب ایران» انتشارات پیکار با بی سوادی تهران، ۱۳۵۵.

۱۳ - مقاله «نقش سواد در توسعه» دفتر مرکزی نهضت سوادآموزی، مدیریت برنامه ریزی و آمار سال ۱۳۶۹.

۱۴ - بررسی علل افت تحصیلی سوادآموزان (پژوهش چاپ شده) مدیریت برنامه ریزی و آمار نهضت سوادآموزی، ۱۳۶۹.

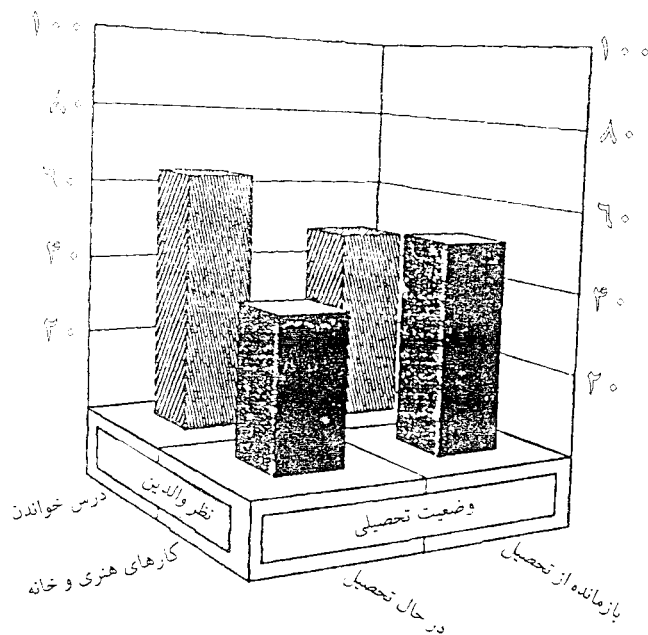
نمودار شماره ۱

نمودار مقایسه‌ای درصد وضع شغلی پدر با وضعیت تحصیلی



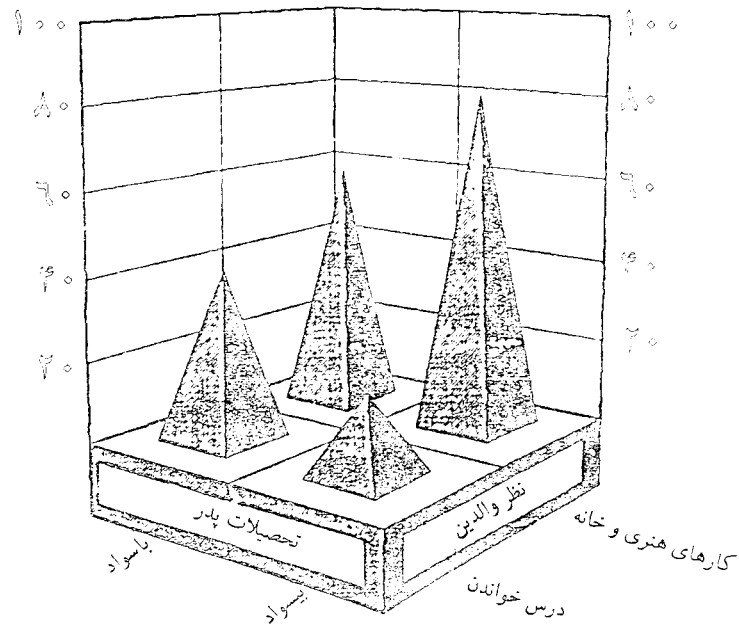
نمودار شماره ۲

نمودار مقایسه در مورد نظروالدين در مورد کارهای ضروری تر دختران با وضعیت تحصیلی



نمودار شماره ۳

نمودار مقایسه درصد نظر والدین در مورد کارهای ضروری تر دختران با تحصیلات پدر



نمودار شماره ۴

نمودار مقایسه درصد وجود معلم زن در مدرسه با وضعیت تحصیلی

